



## هرچه، هرچند و هرکدام و نکته‌ای در معنای یکسان آنها در متون کهن

محمود ندیمی هرنندی (استادیار دانشگاه پیام‌نور)  
تهمینه عطائی کچوئی (استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

**چکیده:** هرچه، هرچند و هرکدام، امروزه در زبان فارسی در نقش و معنای همسان به کار نمی‌روند و تفاوت‌های آشکاری دارند، اما در گذشته به خصوص در آثار قرن‌های چهارم تا ششم در ساختاری خاص، یعنی همراه صفت تفضیلی معنای همسان داشتند و در عین حال غالباً از آنها مبالغه در معنای آن صفت برمی‌آید. گاه غفلت از این همانندی معنایی و نقش بلاغی خاص در تصحیح و فهم معنای عبارات برای بعضی از مصححان و شارحان متون، اشکال و ابهام پیش آورده است. در گفتار پیش رو با عرضه شواهدی به بررسی این نکته پرداخته‌ایم.

**کلیدواژه‌ها:** هرچه، هرچند، هرکدام، تصحیح انتقادی، دستور تاریخی.

### مقدمه

هرچه (= هر چیز، هر اندازه: ضمیر مبهم مرکب، قید)، هرچند (= اگرچه، گرچه: حرف ربط، قید)، هرکدام (= هر یک: اسم مرکب) با معانی مختلفی که امروز در زبان فارسی

دارند و با تفاوت‌هایی که دست‌نویسان میان آنها قائل‌اند، در متون گذشته به‌خصوص متن‌های مربوط به قرن‌های چهارم تا ششم گاهی معنای همانندی می‌یابند. ندرت استعمال بعضی از این ساختارها برای کاتبان و در پی آن برای مصححان متون سهوهای پیش آورده است. نگارندگان در گفتار حاضر همسانی این هر سه را در این ساختار خاص نشان داده‌اند و با جست‌وجو در چند متن مهم، بعضی از سهوهای پیش‌آمده را شناسایی کرده‌اند.

### هرچه / هرچند / هرکدام + صفت تفضیلی<sup>۱</sup>

گروه قیدی «هرچه + صفت تفضیلی» و همانندهایش «هرکدام + صفت تفضیلی» و «هرچند + صفت تفضیلی» در گذشته به یک اندازه رایج نبوده‌اند. برای نمونه در تاریخ بیهقی، که از نظر خزانه‌واژگان در نگاه اول از بسیاری از متون قرن پنجم غنی‌تر است و فضای متنوع سخن مؤلف، تازگی‌های زبانی را ایجاب می‌کند، بنابر احصای ما «هرچه + صفت تفضیلی» ۲۸ بار<sup>۲</sup> و «هرکدام + صفت تفضیلی» ۲ بار به کار رفته‌اند و برای «هرچند + صفت تفضیلی» شاهدی نیافتیم. کاربرد «هرچه + صفت تفضیلی» در متون قرون بعد فراوان است و این ساخت هنوز در زبان فارسی رسمی و محاوره زنده و فعال است، ولی آن دو ساختار دیگر ظاهراً در دوره‌های بعد متروک شده‌اند. در اینجا برای هر یک از ساختارهای فوق شواهدی<sup>۳</sup> عرضه خواهیم کرد.

۱. صفت‌های تفضیلی دو نوع‌اند: قیاسی که از صفت مطلق و پسوند «تر» ساخته می‌شوند مانند بهتر، بزرگ‌تر و... و سماعی که پسوند «تر» ندارند و خود دو نوع‌اند: گروهی مانند به، مه، که، بیش و افزون و گروهی دیگر صفات تفضیلی عربی مانند اعلم و افضل و... (ابوالقاسمی ۱۳۸۷: ۶۸-۶۹). در این مقاله از صفت تفضیلی تنها همان صفات تفضیلی قیاسی را اراده کرده‌ایم.
۲. برای دیدن شواهد رک: بیهقی ۱۳۷۵: ۱۹ و ۲۴ و ۲۵ و ۵۰ و ۵۳ و ۹۵ و ۱۲۱ و ۱۲۴ و ۱۷۲ و ۱۹۴ و ۲۷۰ و ۲۷۵ و ۲۷۹ و ۳۲۷ و ۳۴۷ و ۴۵۹ و ۴۸۳ و ۴۹۹ و ۵۳۷ و ۵۴۱ و ۵۶۰ و ۶۱۴ و ۶۱۹ و ۷۳۴ و ۷۸۷ و ۸۸۷.
۳. شواهد «هرچه + صفت تفضیلی» در متون گذشته و امروز فراوان است و این ساخت هنوز در زبان فارسی زنده و فعال است و کاربرد دارد. چند شاهد دیگر را که از ساخت «هرکدام + صفت تفضیلی» یافته‌ایم و در متن مقاله ذکر نشد در اینجا می‌آوریم:  
پادشاه... اگر نادان و جاهل بود به وجهی هرکدام زشت‌تر تو را معزول کند. (عنصرالمعالی ۱۳۸۰: ۲۱۸)  
چون امر آمد او را که عصا بیفکن، ماری گشت هرکدام صعب‌تر. (سورآبادی ۱۳۸۱: ۱۸۱۲/۳)  
همی عصا را از دست بیوکند، ازدهایی گشت هرکدام صعب‌تر و سهمگن‌تر. (همان ۲۲۷۱/۴)  
نور مصطفی در آن خانه بر هیئت مردی هرکدام نیکوتر در نماز ایستاده. (همان: ۲۴۵۵/۴؛ و رک: سورآبادی ۱۳۹۲: ۴۱۱)

## هرچه + صفت تفضیلی

[لشکر قحطبه با لشکر پسر هُبیره] حرب همی کردند هرچه سخت‌تر.

(بلعمی ۱۳۸۹: ۴/۱۰۳۰)

خداوند [=امیر مسعود] را ... بیاید شتافت به دلی قوی و نشاطی تمام تا هرچه زودتر به تخت  
مُلک رسد. (بیهقی ۱۳۷۵: ۱۹)

عید او فَرخ و فرخنده و او فَرخ روز عید عدوی دولت او هرچه بسر

(فرخی سیستانی ۱۳۸۸: ۱۲۲)

## هرچند + صفت تفضیلی

از خدای تعالی می‌خواهم تا هرچند زودتر بار گرسنگی از دل عزیز او... بردارد.

(بغدادی ۱۳۸۵: ۲۳۱)

[قوم صالح] بجملگی هلاک شدند مگر زنی مُقَعَدَه (= زمینگیر) کافره، ... خداوند، تعالی،  
پای وی با وی داد تا هرچند زودتر به وادی القری آمد. (اسفراینی ۱۳۷۴: ۲/۷۴۶)  
اگر من بودمی و چندان اندر زندان بوده بودمی که او بود، هرچند زودتر بشتافتمی و از آن  
زندان بیرون آمدمی. (همان: ۳/۱۰۸۴)

## هرکدام + صفت تفضیلی

امیر برنشست و به صحرا رفت و بر بالایی بایستاد با تکلفی هرکدام عظیم‌تر.

(بیهقی ۱۳۷۵: ۶۵۰)

و این حجتی باشد هرکدام تمام‌تر. (خزاعی نیشابوری ۱۳۶۷: ۱۴/۳۶۳)  
چون دعوت کنی ایشان را و با ایشان محاجّه و مجادله کنی، بر وجهی هرکدام نکوتر کنی تا ایشان به ایمان نزدیک باشند.  
(همان: ۱۵/۲۱۸)

طلاق دهم شما را و رها کنم بر وجهی هرکدام نکوتر. (همان: ۱۵/۴۱۰-۴۱۱؛ این نوع ساخت بارها در این کتاب تکرار شده  
است. رک: همان: ۱۶/۶۳، ۱۷/۳۵، ۱۷/۲۸۰-۲۸۱، ۱۹/۳۰، ۱۹/۲۴۳، ۲۰/۶۴، ۲۰/۱۵۳، ۲۰/۳۸۷)

به تصدّر و تقدّم او استظهاری هرکدام تمام‌تر دارند. (بدیع ۱۳۸۴: ۲۹)

آن را در مجلس ما موقعی هرکدام لطیف‌تر داند. (همان: ۶۹)

به اِحْتِشَاد (= گرد آمدن، گرد آوردن) هرکدام وافرتر روی بدان آرند. (همان: ۷۷)

و من کهنتر بدان تَبَجُّحی (= شادمانه گردیدن) و اهتزازی داشتم هرکدام تمام‌تر. (همان: ۱۳۸-۱۳۹)

دعای دولت خداوند را - اعزّ الله انصاره - عبادتی می‌شناسم هرکدام نکوتر. (همان: ۱۴۷)

تو را عقوبتی هرکدام سخت‌تر بکنم تا خلق از تو عبرت گیرد. (عنصرالمعالی ۱۳۸۰: ۴۸)  
او بر مرگ رسول نوحه‌ها کرد هرکدام زارتر. (سورآبادی ۱۳۸۱: ۳۴۲/۱)

در اینجا این ساخت دستوری را از چند جهت بررسی می‌کنیم:

### عطف در صفت

عطف در این ساخت دستوری غالباً مانند عطف دو کلمه هم‌نقش است:

■ هرچه/ هرچند/ هرکدام + صفت تفضیلی + و + صفت تفضیلی

فراغ هرچه شاهدتر و زیباتر روی می‌نماید. (نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۱۱۴)  
در این باب سخن هرچه درشت‌تر و بی‌محابت‌تر رانیم. (همان: ۳۵۲)  
همی عصا را از دست بیوکند، اژدهایی گشت هرکدام صعب‌تر و سهمگن‌تر.  
(سورآبادی ۱۳۸۱: ۲۲۷۱/۴)

■ و گاهی به صورت هرچه + صفت تفضیلی + و + هرچه + صفت تفضیلی:

دور بودن ز چنان روی غمی است هرچه دشوارتر و هرچه بتر  
(فرخی سیستانی ۱۳۸۸: ۱۳۸)

### همسانی معنایی

چنانکه گفتیم ساخت‌های هرچه/ هرچند/ هرکدام + صفت تفضیلی با وجود تفاوت‌های معنایی در متون دوره مورد مطالعه ما در نقش و معنا معادل یکدیگرند، تا آنجا که گاه در کلام متقارن یکدیگر به کار رفته‌اند:

■ هرچه + صفت تفضیلی = هرکدام + صفت تفضیلی

رسالات و مهمات ... به عبارتی هرچه رایق‌تر [= نیکوتر] و طریقی هرکدام لایق‌تر گزارده.

(بغدادی ۱۳۸۵: ۱۶۹)

حقی که در ایام غیبت - وانگه چنین غیبتی - ثابت شود، موقع منت اندر آن هرچه مشکورتر باشد و شفقتی که در حال ضرورت - و خاصه چنین ضرورتی - مبدول گردد، محل شکر اندر آن هرکدام معمورتر بود.  
(همان: ۳۶۲)

### ■ هرکدام + صفت تفضیلی = هرچند + صفت تفضیلی

ریاست خطه دهستان و جرجان ... مشفوع (= قرین) به تمکینی هرکدام تمام‌تر<sup>۱</sup> و رونقی هرچند زیادت‌تر به تازگی به او ارزانی داشتیم. (همان: ۱۲۳-۱۲۴)

اتفاق اجتماع - که سردفتر و مُنتهای مُبتغا (= خواسته‌شده) است - هرچند زودتر، [و] به وجهی هرکدام خوبتر میسر باد! (همان: ۱۹۱)

این برابری معنایی باعث شده است که گاهی در دست‌نوشته‌های مختلف یک متن این سه ساخت به یکدیگر تبدیل شوند:

تاریخ بیهقی، متن: هرکدام عظیم‌تر، نسخه بدل: هرچه عظیم‌تر (بیهقی ۱۳۸۸: ۴۹۶)

اسرار التوحید، متن: هرچه تمام‌تر، نسخه بدل: هرکدام تمام‌تر

(میهنی ۱۳۶۶: ۹۷ و ۳۹۲)<sup>۲</sup>

روض الجنان، متن: هرکدام تمام‌تر، نسخه بدل: هرچند تمام‌تر

(خزاعی نیشابوری ۱۳۶۷: ۲۸۱/۱۷)

روض الجنان، متن: هرکدام حقیرتر، نسخه بدل: هرچه حقیرتر (همان: ۶۴/۲۰)

اگر تاریخ دقیق و محل کتابت همه نسخه‌ها برای ما مشخص بود علت این تبدیل‌ها نیز قابل بررسی بود و تا حدی رسیدن به نتیجه تأثیر گویش ناحیه‌ای یا سیر تاریخی ممکن می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. صفت تفضیلی قیاسی از ترکیب صفت مطلق و پسوند «تر» ساخته می‌شود، ولی گاه صفت تفضیلی از ترکیب اسم یا مصدر یا ضمیر و پسوند «تر» ساخته شده است:

چه گردی گرد این دریا که هر کو مردتر افتد / ازین دریا به هر ساعت تحیر بیشتر دارد

(عطار نیشابوری ۱۳۶۲: ۱۴۲)

حق‌تر، تمام‌تر، زیادت‌تر، شتاب‌تر، تحقیق‌تر، تعجیل‌تر (بیهقی، ۱۳۷۵: ۳، ۹، ۸۹، ۲۰۹، ۴۲۲، ۷۳۸)

در دو چشم من نشین ای آن که از من مین‌تری / تا قمر را وانمایم، کز قمر روشن‌تری

(مولانا)

(رک: صدقیان ۱۳۷۵: ۱۳۶-۱۳۸؛ همو ۱۳۸۳: ۲۰۸)

۲. در اسرار التوحید (تألیف ۵۷۹) «هرکدام + صفت تفضیلی» تنها یک بار در نسخه بدل B (= اقدم نسخه، مورخ ۷۰۰ ق) آمده (رک: میهنی ۱۳۶۶: ۳۹۲/۱). حال آنکه ساختار «هرچه + صفت تفضیلی» بارها به کار رفته است. (رک: همان: ۵/۱ و ۲۶ و

۱۰۰ و ۱۳۵ و ۱۸۸ و ۲۲۴ و ۲۳۰ و ۲۵۶)

## دقیقه معنایی

از فواید بررسی متون کهن یکی آن است که گاه پژوهشگر به نکات بلاغی خاصی برمی‌خورد که به دلایل گوناگون در زبان (گفتار/ نوشتار) متأخران متروک شده یا به صورت دیگر تبدیل یافته. از آن جمله دقیقه‌ای معنایی، در وجه پُرکاربردتر «هرچه + صفت تفضیلی» است که در توضیح آن آرای گوناگونی طرح شده است:  
مؤلفان لغت‌نامه ذیل «هرچه» آورده‌اند: «هرچه اگر پیش از صفات تفضیلی درآید معنی صفت عالی می‌سازد.»

خانلری در تاریخ زبان فارسی گفته است: «هرچه: تمامی چیزها یا معانی» (ناتل خانلری ۱۳۸۲: ۴۲۷/۳)

نظر فرشیدورد در دستور مفصل امروز با آنکه تازگی‌هایی دارد به گفته مؤلفان لغت‌نامه نزدیک است:

گاهی بعضی از صفت‌ها و گروه‌های وصفی با پسوند «تر» معنی صفت عالی می‌دهند مانند هرچه تمام‌تر، هرچه بیشتر: با سرعت هرچه تمام‌تر حرکت می‌کرد یعنی با تمام‌ترین سرعت‌ها. (فرشیدورد ۱۳۸۸: ۲۶۴).

در شرح و توضیحی که بعضی مصححان یا شارحان متون ادبی از ساخت‌های دستوری مذکور به دست داده‌اند، به نوعی معادل‌سازی که در شواهد زیر ملاحظه می‌شود بسنده شده و از اشاره به آن دقیقه معنایی که خواننده درمی‌یابد غفلت شده است:

ادیب پیشاوری: هرکدام عظیم‌تر: هرچه عظیم‌تر (بیهقی ۱۳۰۷: ۵۰۷)

نقیسی: هرکدام تمام‌تر: هرچه بیشتر (عنصرالمعالی ۱۳۲۰: ۱۹۱)

علامه شعرانی: هرکدام نیکوتر و هرکدام خوش‌تر: هرچه نیکوتر و هرچه خوش‌تر (خزاعی

نیشابوری ۱۳۳۴: ۴/۴۱۳)

مهدوی: هرکدام [نیکوتر]: هرچه [نیکوتر] (سورآبادی [چاپ اول: ۱۳۴۷] ۱۳۹۲: ۵۲۴)

قیاض: هرکدام قوی‌تر: هرچه قوی‌تر (بیهقی [چاپ اول: ۱۳۵۰] ۱۳۷۵: ۹۶۴)

خطیب‌رهبر: هرکدام عظیم‌تر: هرچه بیشتر و افزون‌تر (بیهقی [چاپ اول: ۱۳۶۸] ۱۳۷۶:

۸۳۶/۳)

اما مفهوم برآمده از این ساختار بیشتر متوجه مبالغه است تا برابری با صفت عالی. در کاربرد صفت عالی، مقصود گوینده مقایسه چیزی در صفتی با چند چیز دیگر است حال آنکه در اینجا گاه تنها مبالغه مراد است بی آنکه معنای صفت عالی داشته باشد. برای نمونه در تاریخ بیهقی و در ضمن نامه اعیان و محتشمان غزنین به سلطان مسعود پس از برکنار شدن امیر محمد آمده است:

امیر ابواحمد - ادام الله سلامتہ - شاخی بود از اصل دولت امیر ماضی - انار الله برهانه - هرکدام قوی تر و شکوفه آبدارتر و برومندتر.<sup>۱</sup> (بیهقی ۱۳۷۵: ۲)

در اینجا «امیر ابواحمد شاخی بود هرکدام قوی تر» یعنی امیر ابواحمد شاخی بسیار قوی از اصل دولت امیر ماضی (= سلطان محمود) بود و نه قوی ترین شاخ، چون طبیعی آن است که به زعم نویسندگان نامه قوی ترین شاخ خود سلطان مسعود باشد که هم پسر بزرگتر سلطان محمود است و هم به زودی به جای پدر به سلطنت می رسد و نه امیر ابواحمد که امروز معزول و موقوف شده است.

مؤلفان و ادیبان قرون بعد، معنای مبالغه در صفت را از «هرچه + صفت تفضیلی» به خوبی درمی یافته اند، مثلاً در کتاب انوار سهیلی، بازنویسی شده کلیده و دمنه نصرالله منشی، تبدیل های واعظ کاشفی (متوفی ۹۳۹ ق) را ملاحظه کنید:

ملک مثال داد تا به طلب آب به هر جانب برفتند و تعرف آن هرچه بلیغ تر به جای آوردند.

(نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۲۰۲)

ملک مثال داد تا از برای آب به هر جانبی بشتابند و تفحصی که زیاده از آن نباشد به جای آرند.

(واعظ کاشفی ۱۳۸۸: ۳۲۷)

اشتیاق بوزنه به دیدار او هرچه صادق تر گشته بود.

(نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۲۴۴)

۱. فیاض در حاشیه تاریخ بیهقی (چاپ ۱۳۲۴: ص ۲) آورده است: «به عقیده ما جمله معترضه ای بوده است چنین: هر کدام قوی تر، شکوفه آبدارتر و برومندتر» و بعدها در چاپ ۱۳۵۰ نظر خود را اصلاح کرده و نوشته است: «هرکدام قوی تر: این تعبیر همان است که ما امروز می گوئیم هرچه قوی تر (و در ادامه سه شاهد دیگر ذکر کرده است)» (بیهقی ۱۳۷۵: ۹۶۴). خطیب رهبر در شرح این عبارت از تاریخ بیهقی به نظر نخستین فیاض اکتفا کرده است (رک: بیهقی ۱۳۷۶: ۱/ ۸۵). یاحقی و سیدی تنها به این عبارت فیاض که «هرکدام قوی تر = هرچه قوی تر» بسنده کرده اند.

- (واعظ کاشفی ۱۳۸۸: ۳۹۴) اشتیاق بوزنه به مشاهده جمال او بغایت غالب شده بود.
- (نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۲۴۴) نزاع [= آرزومندی] به مشاهدت او هرچه غالب‌تر شده.
- (واعظ کاشفی ۱۳۸۸: ۳۹۴) آرزومندی به دیدار وی از حد و حصر تجاوز نموده.
- (نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۳۰۸) ثمرت کردار مخلصان هرچه مهتاتر ارزانی می‌دارد.
- (واعظ کاشفی ۱۳۸۸: ۴۷۹) ثمره کردار نیکوکاران به خوب‌تر وجهی مهیا دارد.

### هرچه / هرچند / هرکدام + صفت تفضیلی از نظر دستورنویسان

خطیبرهبر در کتاب صفت، هرچه + صفت تفضیلی را یکی از انواع صفات ترکیبی (= صفات مرکب) دانسته است (۱۳۷۵: ۹۴ و ۹۸-۹۹)، انوری و احمدی گیوی ساخت هرچه + صفت تفضیلی را گروه قیدی تلقی کرده‌اند (۱۳۷۴: ۱۵۶) و فرشیدورد این ساخت را در جایی گروه وصفی و در جایی دیگر گروه قیدی شمرده است (۱۳۷۸: ۸۷-۸۸؛ ۱۳۸۸: ۲۶۴). اما درباره هرچند/ هرکدام + صفت تفضیلی که بیشتر به دستور تاریخی زبان مربوط است سخنی نگفته‌اند. این ساخت‌ها گاهی در پیوند با دیگر اجزای جمله نقش‌های گوناگون دارند:

#### ۱. گروه صفتی (وصفی)

وی را باز گردانیده می‌آید با نواختی هرچه تمام‌تر (= نواختی بسیار تمام؛ تمام‌ترین نواخت).

(بیهقی ۱۳۷۵: ۹۵) *ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی*

مراد هرآینه در لباس [لباسی؟] هرچه نیکوتر (= لباسی بسیار نیکو؛ نیکوترین لباس) او را استقبال کند. *رساله جامع علوم انسانی*

چون مؤمن از گور برخیزد شخصی به استقبال او آید با صورتی هرکدام نیکوتر (= صورتی بسیار نیکو؛ نیکوترین صورت) و بوی [ظ: بویی] هرکدام خوش‌تر (= بویی بسیار خوش؛ خوش‌ترین بو).

(خزاعی نیشابوری ۱۳۶۷: ۲۶۹/۷)

در شواهدی که ما یافته‌ایم موصوف به ندرت جمع است:

خلیفه را به سی بار هزار هزار درم جواهر می‌باید هرچه نادرتر و قیمتی‌تر.

(بیهقی ۱۳۷۵: ۵۴۱)



قیصر بفرمود که ایشان را فرود آرید به قصرها [یی] هرکدام نیکوتر.

(بلعمی ۱۳۸۹: ۷۹۴/۲)

گاه با این نوع صفت، صفات دیگری همراه شده است:

#### الف) صفت شمارشی

پس مردمان مگه صد مرد را اختیار کردند هرکدام مردتر تا برفتند.

(ترجمه تفسیر طبری ۱۳۵۶: ۱۷۲۰/۶ ذکر غزوة حدیبیه)

نعلین بیفکنند، دو کژدم گشت هرکدام منکرتر. (سورآبادی ۱۳۸۱: ۱۸۱۲/۳)

پانصد غلام بگزین هرکدام جلدتر و دلیرتر. (نظام‌الملک طوسی ۱۳۷۸: ۲۹۷)

#### ب) صفت مبهم

اگر مرد از قوه عزم خویش مساعدتی تمام نیابد، تنی چند بگزیند هرچه ناصح‌تر و فاضل‌تر که

او را بازمی نمایند عیب‌های وی. (بیهقی ۱۳۷۵: ۱۲۴)

#### ج) صفت نسبی

غلامان تیغ‌های هندوی داشتند هرچه خیاره‌تر. (همان: ۵۳۷)

تو باید که در این مدت مقام ده خروار سیب سپاهانی بخری هرچه نیکوتر.

(نظام‌الملک طوسی ۱۳۷۸: ۹۰)

#### ۲. گروه قیدی

بیرون آی هرچه زودتر (= بسیار زود). (بلعمی ۱۳۸۹: ۱۲۶۵/۴)

با مرتبه‌داران از آن سوی شهر گسیل کن شان هرچه نیکوتر (= بسیار نیکو).

(بیهقی ۱۳۷۵: ۲۴)

همه به یک‌بار شمشیر برکشیدند و نعره زدند و حمله آوردند و حربی کردند هرکدام صعب‌تر (=

بسیار صعب) (سورآبادی ۱۳۸۱: ۲۳۶۲/۴-۲۳۶۳)

#### ۳. گروه مستندی

قواعد مصادقت میان ایشان هرچه مستحکم‌تر (= بسیار مستحکم) شد.

(نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۳۱)

این الفاظ به یکدیگر هرچه متناسب‌تر (= بسیار متناسب) است و هر کلمتی را اعجازی هرچه ظاهرتر (= بسیار ظاهر). (همان: ۵)  
شفقتی که در حال ضرورت - و خاصه چنین ضرورتی - مبدول گردد، محل شکر اندر آن هرکدام معمورتر بود. (بغدادی ۱۳۸۵: ۳۶۲)

#### ۴. گروه تمیزی

من باری ضمیر خود را هرچه صافی‌تر (= بسیار صافی) می‌بینم.  
(نصرالله منشی ۱۳۸۰: ۲۹۹)  
اسباب امکان و مقدرت ملک هرچه مهمدتر (= بسیار مهمد) می‌دیده‌اند. (همان: ۳۶۵)

#### ۵. جانشین اسم

در این حالت موصوف در کلام غایب است و صفت جانشین اسم شده است:  
اگر بازفر و ختندی، به هرچه عزیزتر (= چیز بسیار عزیز) باز خریدیمی.  
(بیهقی ۱۳۷۵: ۶۱۹)  
و نامه‌های ملوک اطراف و خلیفه - اطلال الله بقاءه - و خانان ترکستان و هرچه مهم‌تر (= اشخاص بسیار مهم) در دیوان هم برین جمله بود تا بونصر بزیست. (همان: ۷۳۴)

#### اهمیت توجه به ساخت‌های زبانی در تصحیح متون

نظر به تحول زبان، توجه مصححان به تطور ساخت‌های دستوری ضروری است. گاه مهجور ماندن بعضی ساخت‌های دستوری کهن و غفلت مصححان از نوع آنها در تصحیح برخی متون سهوهایی پیش آورده است:  
۱. آوردن کلمه‌ای پیش از اجزای «هرچه + صفت تفضیلی» و «هرچند + صفت تفضیلی» و «هرکدام + صفت تفضیلی»، که اگر نمونه‌های دیگری برای آن نباشد باید آن کلمه را زائد دانست:

#### ■ تاریخ بیهقی

مرتب‌داران ایشان را سوی شهر بردند بر جمله‌یی به هرچه نیکوتر. (۱۳۸۸: ۱۹)

بنا به گفته مصححان، چاپ‌های ادیب پیشاوری و کلکته و فیاض حرف اضافه «به» را ندارند. به فرض توافق نسخه‌ها در داشتن «به» به نمونه‌های دیگری از این ساخت در تاریخ بیهقی توجه کنید:

خداوندان قلم، بر جمله‌ی هرچه نیکوتر رسول را ... در شهر درآوردند. (۱۳۷۵: ۵۰)  
رسول را بازگردانیدند بر جمله‌ی هرچه نیکوتر. (همان: ۵۳)  
چنانکه مشاهده می‌شود این دو شاهد نیز بدون حرف اضافه «به» آمده است.

#### ■ قابوسنامه

آنکه تن را از حال بگرداند آن را اسباب ضرورتی خوانند و این شش قسم است: ... هر یک را از این جمله اندر تن مردم تأثیر است و هرکدام تمام‌تر. (عنصرالمعالی ۱۳۸۰: ۱۷۷)  
جمله‌ی اخیر در چاپ نفیسی (ص ۱۹۱) چنین است: «هر یک را از این جمله تأثیر است اندر تن مردم هرکدام تمام‌تر.»  
قیاس کنید با:

تورا عقوبتی هرکدام سخت‌تر بکنم تا خلق از تو عبرت گیرد. (همان: ۴۸)  
پادشاه ... اگر نادان و جاهل بود به وجهی هرکدام زشت‌تر تورا معزول کند. (همان: ۲۱۸)

۲. وجود فاصله میان اجزای «هرچه + صفت تفضیلی» و «هرچند + صفت تفضیلی» و «هرکدام + صفت تفضیلی»

#### ■ تفسیر سوراآبادی

موسی همی عصا از دست بیفکند، آن همی ثعبان گشت، هرکدام که آن سهمگن‌تر. (۷۸۶/۲)

اگر فرا سر چاهی رسیدی هرکدام قعر آن دورتر، عصا فروکردی، به آب رسیدی و آب بر سر آمدی و اگر فرا درختی رسیدی هرکدام آن بلندتر، خواستی که برگ آن فروکند، عصا بیازیدی، به سر آن درخت رسیدی، برگ فروکردی. (۱۵۱۲/۳)

۱. شاهد دوم در قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری به اهتمام یحیی مهدوی (سوراآبادی ۱۳۹۲: ۲۴۶) هم بدون ذکر نسخه بدل به همان صورت نادرست چاپ شده است.

نسخه بدل‌های کتاب به فهم عبارت کمکی نمی‌کند و متن با این صورت ابهام دارد. به قیاس آنچه در گفتار حاضر مطرح کردیم، «که آن»، «قعر آن» و «آن» در این عبارات زائد و احتمالاً نتیجه تصرف کاتبان است؛ چرا که معنای خاص «کدام» در این ساختارها برای آنان روشن نبوده است و با افزودن این کلمه‌ها به زعم خود جملات را معنادار کرده‌اند. در این شواهد نه تنها جملات با افزودن «که آن»، «قعر آن» و «آن» ساده‌تر نشده بلکه نادرست‌ورمند است و معنای روشنی ندارد. در شاهد دوم «چاهی» و «درختی» متضمن معنای وحدت‌اند، یعنی یک چاه و یک درخت. از طرفی «کدام» در معنایی که آنان اراده کرده‌اند آنگاه به کار می‌رود که چند چیز یا چند شخص در میان باشد، یعنی «هر کدام قعر آن دورتر» قاعدتاً به معنای هر چاهی از جمع چاه‌ها که قعر آن دورتر بود و «هر کدام آن بلندتر» به معنای هر درختی از جمع درختان که آن بلندتر بود، است. عبارت نخست را با نمونه‌های دیگر آن در همین کتاب می‌سنجیم:

- نعلین وی دو کژدم گشت هرکدام صعب‌تر و منکرتر. (۱۵۱۰/۳)  
 نعلین بیفکند، دو کژدم گشت هرکدام منکرتر، چنان که موسی را خواست که از بیم آن زهره بچکد، و چون امر آمد او را که عصا بیفکن، ماری گشت هرکدام صعب‌تر. (۱۸۱۲/۳)  
 همی عصا را از دست بیوکند، اژدهایی گشت هرکدام صعب‌تر و سهمگن‌تر. (۲۲۷۱/۴)

از سنجش شواهد برمی‌آید که صورت صحیح، «هرکدام سهمگن‌تر»، «هرکدام دورتر»<sup>۱</sup> و «هرکدام بلندتر» است. با وجود این، ممکن است در جمله «اگر فرا سر چاهی رسیدی هرکدام قعر آن دورتر» جابه‌جایی رخ داده باشد، یعنی جمله «اگر فرا سر چاهی رسیدی قعر آن هرکدام دورتر» بوده است.

■ کنوز الحکمة

«حق - سبحانه و تعالی - بسیار صفت‌ها از هر نوع پیدا کرده است: چه از لطف و کرم و [چه

۱. «دورتر» در معنای عمیق‌تر و ژرف‌تر است:

آبکندی دور و بس تاریک جای لغز لغزان چون در او بنهند پای

(رودکی ۱۳۸۲: ۵۷۵)

القرانُ ظاهرُهُ انیقٌ و باطنُهُ عمیقٌ: ظاهر قرآن خوش بود و باطنش ژرف و دور. (نصیرالدین طوسی ۱۳۷۷: ۴۲۳)

از] جَبَّاری ... و از دیگر روی تازیانه‌ای است سخت عظیم مؤمنان را و خاصگان را هرچه آن عظیم‌تر» (جامی ۱۳۸۷: ۲۹)

در عبارت فوق تصرفی همانند نمونه پیشین کرده‌اند؛ یعنی از آنجا که در این ساختار خاص، معنای «کدام» برای کاتبان روشن نبوده است و عبارت را معیوب یافته‌اند کوشیده‌اند تا آن را با افزودن لفظ «آن» اصلاح کنند.

۳. ذکر نشدن صفت تفضیلی با پسوند «تر»

در این ساخت دستوری آوردن صفت تفضیلی الزامی است و نبود آن برخلاف هنجار زبان است:

#### ■ تاریخ بیهقی

بیست غلام و صد هزار درم و شش پیل نر و سه ماده و ده تخت جامه خاص و کوس‌ها و علامت و هرچه با آن رود راست کردند هرچه تمامت.

(۱۳۸۸: ۲۶۴)

صورت صحیح «هرچه تمام‌تر» برابر نسخه M است چنانکه در چاپ فیاض (ص ۳۴۷) آمده است.

#### ■ التوسل الى التوسل

بنده و خدمتگار که در خدمت حضرت عالی صاحبی - اعلاه الله - هرچه تمام‌تر اخلاصی دارد و خویشتن را در آن دولت - که پاینده باد و فزاینده - هرکدام زیادت اختصاصی داند، پیوسته دعای دولت می‌گوید. (بغدادی ۱۳۸۵: ۲۵۷)

زیادت در زبان عربی مصدر است ولی در زبان فارسی گاه در معنای صفت تفضیلی به کار رفته است (ابوالقاسمی ۱۳۸۷: ۶۹). از این رو در عبارت مزبور ممکن است تصور شود که «زیادت» در معنی، معادل زیادت‌تر (= زیادتر) است، اما در همین کتاب التوسل الى التوسل، «زیادت‌تر» در همین ساخت دستوری مورد مطالعه ما آمده است:

ریاست خطه دهستان و جرجان ... مشفوع به تمکینی هرکدام تمام‌تر و رونقی هرچند

زیادت‌تر به تازگی به او ارزانی داشتیم. (بغدادی ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۲۴)

۴. آوردن کلمه‌ای زائد پس از اجزای «هرچه + صفت تفضیلی» و «هرچند + صفت تفضیلی» و «هرکدام + صفت تفضیلی»  
■ بستان العارفين و تحفة المریدین

هر که بگوید سبحان الله، خداوند - تعالی - چندان ثوابش دهد که کوهی از کوه‌های دنیا - هرکدام بزرگ‌تر است - سیم بودی و او در سبیل خدای - تعالی - نفقه کردی. هر که بگوید الحمد لله، چندان ثواب یابد که کوهی - هرکدام بزرگ‌تر - زر بودی و او به جایگاه نفقه کردی. (نیسابوری ۱۳۵۴: ۴۱۷)

از قیاس ساختار بخش نخست این شاهد با بخش دوم آن و نیز ساختار تمام شواهدی<sup>۱</sup> که در نوشته پیش رو ذکر کردیم آشکار می‌شود که در بخش نخست کلمه «است» زائد می‌نماید و افزوده کاتبان است.

### نتیجه

تاکنون به بعضی از ساخت‌های دستوری متون فارسی دری کهن کمتر توجه شده و همین امر سبب سهو بعضی از مصححان و شارحان در تصحیح و شرح آن متون شده است. طرح تدوین دستور تاریخی جامع زبان فارسی یکی از ضرورت‌هاست. برای این منظور باید کوشید تا همه ساخت‌های دستوری کهن زبان فارسی کشف و تحلیل و بررسی شود.

### منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷)، دستور تاریخی زبان فارسی، چ ۶، سمت، تهران؛  
اسفراینی، ابومظفر شاهفور بن طاهر بن محمد (۱۳۷۴)، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تصحیح

۱. شواهد گفتار پیش رو از متون قرن پنجم و ششم انتخاب شدند و از این میان نثر بعضی مانند بستان العارفين، کنوز الحکمة و اسرار التوحید ساده و مرسل و مبتنی بر «روایات شفاهی رایج در میان اهل خانقاه و ارباب تصوف» اند (رک: مقدمه استاد شفیع کدکنی بر اسرار التوحید، صفحه صد و هفتاد و پنج). بنابر این به همانندی آنها به زبان گفتار بیشتر می‌توان اعتماد کرد.

- نجیب مایل هروی، علی اکبر الهی الخراسانی، علمی و فرهنگی، تهران؛
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۷)، دستور زبان فارسی ۲ (ویرایش دوم)، چ ۱۷، فاطمی، تهران؛
- بدیع، منتجب‌الدین علی بن احمد (۱۳۸۴)، عتبة الکتبة، تصحیح محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، اساطیر، تهران؛
- بلعمی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، ترجمه تاریخ طبری، تصحیح محمد روشن، چ ۴، سروش، تهران؛
- بغدادی، بهاء‌الدین محمد بن مؤید (۱۳۸۵)، التوسل الی الترسل، تصحیح و تحشیه احمد بهمینیار، اساطیر، تهران؛
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۰۷)، تاریخ بیهقی، تصحیح ادیب پیشاوری، چاپ سنگی، دارالطباعة آقا میرزا حبیب‌الله، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مقدمه و فهرست لغات از محمدجعفر یاحقی، چ ۳، دانشگاه فردوسی، مشهد؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، چ ۶، مهتاب، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، تاریخ بیهقی، تصحیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، سخن، تهران؛
- ترجمه تفسیر طبری (۱۳۵۶)، تصحیح حبیب یغمایی، چ ۲، توس، تهران؛
- جامی، ابونصر احمد بن ابوالحسن (۱۳۸۷)، کنوز الحکمة، تصحیح علی فاضل، توضیحات حسن نصیری جامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران؛
- خزاعی نیشابوری، حسین بن علی (۱۳۶۷)، روض الجنان و رُوح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی)، تصحیح محمدجعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۳۴)، روض الجنان و رُوح الجنان فی تفسیر القرآن [روی جلد و صفحه عنوان به خط: روح الجنان و روح الجنان]، تصحیح و تحشیه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران؛
- خطیب‌رهبر، خلیل (۱۳۷۵)، صفت، صفی‌علیشاه، تهران؛
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران؛
- رودکی سمرقندی، ابوعبدالله جعفر بن محمد (۱۳۸۲)، دیوان، چاپ شده در: محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، اهورا، تهران؛
- سورآبادی، ابوبکر عتیق نیشابوری (۱۳۸۱)، تفسیر سورآبادی، تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران؛

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، به اهتمام یحیی مهدوی، چ ۴، خوارزمی، تهران؛
- صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۷۵)، «بعضی دیگر از ویژگی‌های دستوری در غزلیات شمس»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۵۸ و ۱۵۹ (بهار و تابستان)، ص ۱۰۷-۱۴۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم هجری، زیر نظر پرویز ناتل خانلری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران؛
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۶۲)، دیوان، تصحیح تقی تفضلی، چ ۳، علمی و فرهنگی، تهران؛
- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (۱۳۸۰)، قابوسنامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۱۱، علمی و فرهنگی، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۰)، منتخب قابوسنامه، به اهتمام سعید نفیسی، وزارت فرهنگ، تهران؛
- فرخی سیستانی، علی بن جولوغ (۱۳۸۸)، دیوان، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چ ۸، زوار، تهران؛
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، چ ۲، امیرکبیر، تهران؛
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، دستور مفصل امروز، چ ۳، سخن، تهران؛
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۶۶)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید ابی الخیر، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، آگه، تهران؛
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، نشر نو، تهران؛
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۸۰)، کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، چ ۲۰، امیرکبیر، تهران؛
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۷)، اخلاق محتشمی، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران؛
- نظام‌الملک طوسی، حسن بن علی (۱۳۷۸)، سیرالملوک (سیاستنامه)، تصحیح هیوبرت دارک، چ ۴، علمی و فرهنگی، تهران؛
- نیشابوری، فقیه احمد بن خیر (۱۳۵۴)، بستان العارفین و تحفة المریدین، تصحیح احمد علی رجائی بخارائی، چاپ شده در: منتخب رونق المجالس همراه با بستان العارفین و تحفة المریدین، دانشگاه تهران؛
- واعظ کاشفی بیهقی، کمال‌الدین حسین (۱۳۸۸)، انوار سهیلی، تصحیح و تحشیه محمد روشن، صدای معاصر، تهران.